

اتحاد و انسجام در ادب فارسی

علی خوشه چرخ آرائی

و انسانها و جوامع را از تفرقه و اختلاف برحذر داشته و آیین مقدس اسلام عزیز نیز در قالب اعمال و مناسکی همچون نماز جماعت و جمعه و فریضه الهی و سیاسی حج و... راههای وصول و تحقق همدلی و تألیف را به روشنی ترسیم نموده و در این مورد تأکید و ابرام فراوان کرده است، لیکن شاعران و گویندگان هم از این مسأله حیاتی و مهم ثبوت جوامع غافل نشده و کوشیده اند که در اشعار و عبارات خویش، اهمیت این موضوع را یادآور شوند. برای جست و جوی ابیات مرتبط با موضوع وحدت و همدلی، دواوین منظوم چند شاعر را تورق می‌زنیم.

ابتدا به سراغ مثنوی معنوی مولانا می‌رویم، مولانا که خلاق‌ترین و خدایی‌ترین و خوش‌نام‌ترین و مردمی‌ترین شاعر ادبیات فارسی است. او در مثنوی معنوی و اشعار ارزشمند آن، مفاهیم آسمانی قرآن و احادیث و روایات درخشان منسوب به پیامبر اکرم (ص) و سخنان زرین بزرگان دین به گونه‌ای بسیار ممتاز و بدیع درج و جذب شده است. تفرقه و افتراق را از روح حیوانی برشمرده است و در قالب تشبیهی زیبا، افتراق و انفصال را سفال جامد و بی‌اهمیت و بی‌ارزش و ناکارآمد معرفی می‌نماید. او با بیان ابیات:

(تفرقه در روح حیوانی بود

نفس واحد روح انسانی بود

روح انسانی «کنفس واحده» است

روح حیوانی سفال جامد است

عقل جز از رمز این آگاه نیست

واقف این سر به جز الله نیست

مثنوی معنوی - دفتر ۲، ص ۸۲

نتیجه می‌گیرد که جامعه‌ای که اساس و ارکان آن

از ویژگی‌های بارز و برجسته ادبیات دیرپای فارسی، ارتباط تنگاتنگ و متقابل با علوم متعدد است و بالطبع این ارتباط و هم‌نشینی متقابل باعث شده است که موضوعات و عناوین مختلفی در حوزه ادبیات فارسی مورد توجه ذهن ژرف اندیش و دقیق‌المنظر شاعران قرار گیرد، به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد که هیچ موضوع ریز و درشتی یافت نمی‌شود که از دیدگاه شاعران و نویسندگان فارسی زبان دور مانده، یا حداقل توجهی به آن نشده باشد. به عبارت دیگر گستردگی موضوعات و توجه شاعران و نویسندگان به موضوعات گوناگون در قالب اشعار و عبارات موزون و مسجع را می‌توان از خصوصیات زبان و ادب گرانسنگ فارسی به حساب آورد.

از موضوعات مهم و ارزشمندی که هم در قرآن مبین الهی و سخنان وزین و ثقیل اهل بیت (ع) و هم در اشعار سخن‌گویان و سخن‌سنجان اقیانوس بیکران و کنار زبان فارسی به آن توجه و عنایت ویژه شده است وحدت و همدلی و تألیف قلوب است و از آنجا که نخستین داعی به وحدت و همدلی خداوند سبحان در قرآن مبین و پس از آن پیامبر و خاندان مطهرش (علیهم السلام) هستند، بنابراین شاید بتوان گفت که تلاش شاعران بر آن است که کوشیده‌اند در قالب الفاظ و عبارات و امثال و حکم متعدده، ترجمان کلام الهی و سخنان اهل بیت (ع) و آموزه‌های ارزشمند معنوی و متون انسان‌ساز و حیوانی را به مخاطبان خویش ارائه نمایند. به دیگر کلام، اگرچه از دیرباز دانشمندان و متفکران و عالمان و سیاستمداران و سیاست‌گذاران و از همه مهمتر رهبران الهی و ائمه معصومین (س) به طرق گوناگون در خصوص وحدت و همدلی سخن گفته

برای دوام و بقای هر امت و ملتی هیچ ابزاری، کاراثر از اتحاد و اتفاق نیست و جوامعی که اساس و ارکان آن بر پایه‌های همدلی بنیان گردند، طوفان‌های سهمگین خدعه‌معاندین و سیلاب‌های ویرانگر بدخواهان نخواهد توانست کوچکترین خلل و رخنه‌ای در صفوف مرصوص آن ایجاد کند و برعکس هر امت و جامعه‌ای که دستخوش تفرقه و اختلاف گردد، دیری نخواهد کشید که اساس و ارکان آن از هم پراکنده و پایه‌های آن ویران و فاسد خواهد گردید. بنابراین، دستوری عقلی است که نباید از این امر حیاتی ثبوت جوامع غافل شد و آن را حقیر شمرد.

با نگاهی ژرف و همراه با امعان نظر در دواوین منظوم و نوشته‌های منشور تمامی، یا حداقل شاعران به این نکته می‌رسیم که وحدت و تألیف قلوب مسأله‌ای است که تمامی شاعران و نویسندگان و خطیبان و گویندگان فارسی زبان به آن اشاره و اهمیت آن را گوشزد و عواقب رویگردانی از این فریضه، محکم الهی را در قالب امثال و حکم و تشبیهات گوناگون بیان کرده‌اند.

در این مقال کوتاه به پاره‌ای از توجهات شاعران از جمله مولانا، سعدی، ابن‌یمین، نظامی، ملک‌الشعرا بهار، صائب تبریزی، مهدی نراقی و اقبال لاهوری و... به این مسأله مهم اشاره می‌شود.

بر اساس اتفاق و اتحاد بنیان گردد، سیلاب های تند و حيله مكارانه و آكنده از تزوير و خدعه بدخواهان و معاندان نخواهد توانست در آن رخنه ای ايجاد نمايد، زيرا افراد جوامع انساني با يكدیگر متحد و هم چون نفس واحدند که در پرتو وحدت و همدلی و هم دینی، عنصر برادری را در خویش تقویت نموده اند. مولانا همچنین در ابیات:

گفت با این که مرا صد حجت است
لیک جمعند و جماعت رحمت است
راز گویان با زبان و بی زبان
الجماعه رحمه تاویل دان
چون جماعت رحمت آمدای پسر
جهد کن کز رحمت آری تاج سر

مولوی، مثنوی معنوی، دفتر ۲، ص ۹۳
که تلمیحی به احادیث: «الجماعه رحمه و الفرقه عذاب» «جماعت رحمت و تفرقه عذاب است.» «نهج الفصاحه، ص ۲۷۹» و «یدالله مع الجماعه» «دست خداوند با جماعت است.» (همان) ارزش و

اهمیت وحدت را ذکر و جماعت و وحدت و همدلی را مایه رحمت می داند. زیرا به استناد آیه شریفه «ولا تکونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البينات و اولئک لهم عذاب عظیم». (آل عمران/ ۱۰۵) تفرقه، مایه عذاب اخروی و موجبات فراهم شدن عواقب ناگوار دنیوی و نقطه مقابل آن که همان وحدت و همدلی است را عامل رافت و رحمت الهی می داند، زیرا وحدت تنه راه عزت و سعادت و کمال و سلامت انسانی و جوامع انسانی است.

مولانا در تشبیهی زیباتر اثر سوء و ناگوار افتراق و پرهیز از اتحاد و یک سو به گرای ز این گونه بیان می دارد که:
گرگ اغلب آن زمان گیرا شود
کز ره، شیشک به خود تنها شود

مثنوی معنوی، دفتر ۶، ص ۳۶۰
این من و ما بهر آن بر ساختی
تا که با خود نرد خدمت باختی
تا تو با ما و تو یک جوهر شوی
عاقبت محض چنان دلبر شوی
تا من و تو ما همه یک جان شوند
عاقبت مستغرق جانان شوند

مثنوی معنوی، دفتر ۲، ص ۱۳۵

همچنین از ابیات:

مولانا می توان نتیجه گرفت که هدف از توطئه های مخالفان، ايجاد اختلاف و تفرقه های قومی و نژادی و مذهبی و در نهایت از هم پاشیدن و هدم جوامع اسلامی و انسانی است و آن گاه که اقوام و ملل و دول با تمامی تنوع های پوستی، نژادی و موقعیتی، اختلافات جزئی را کنار بگذارند، صاحب چنان اقتداری خواهند شد که همه چیز را از خود و برای خود خواهند داشت.

اینک با هدف آشنایی و به جهت پرهیز از اطاله کلام، به ابیاتی از مثنوی مولانا در خصوص جایگاه وحدت و همدلی اشاره می شود:

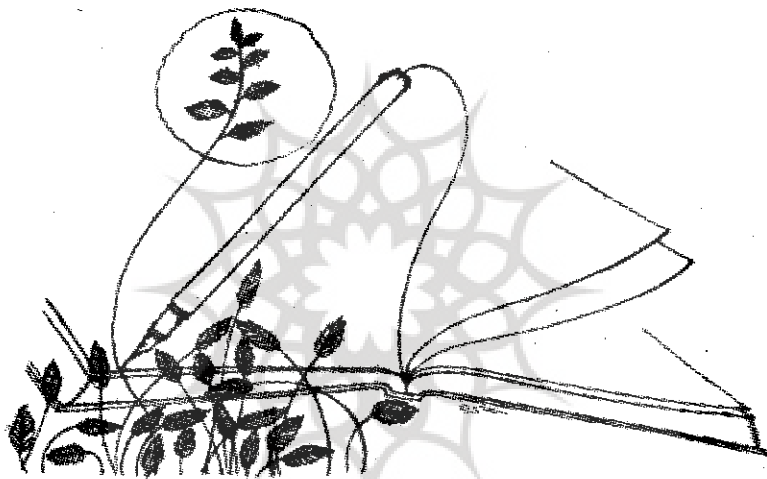
اختلاف خلق از نام افتاد
چون به معنی رفت آرام افتاد
اتحاد خالی از شرک و دویی
باشد از توحید بی ما و تویی
آفرین بر عشق کل اوستاد
صد هزاران ذره را داد اتحاد

مثنوی معنوی، دفتر ۲، ص ۹۶

قوت اندر فعل آید اتفاق
همچون قرآن دیو با اهل نفاق

مثنوی معنوی، دفتر ۲، ص ۹۸
که بیت آخر می تواند اشاره ای به آیه «ولاتتنازعوا قفقسلوا و تذهب ریحکم» (انفال، ۴۶) با یكدیگر منازعه می کند که قدرت و بوی خوش شما از زمین می رود) داشته باشد.

از دیگر آثار ارزشمند در عرصه ادبیات فارسی که حتی می تواند از مصادیق وحدت ملی به حساب آید، شاهنامه فردوسی است.



فردوسی با ابیات:
ز دانا تو نشیدی این داستان
که بر گوید از گفته باستان
که گردو برادر نهند پشت
تن کوه را باد ماند به مشت

شاهنامه فردوسی جلد ۱۱، ص ۲۳۹
و بیت:
به لشکر توان کرد این کارزار
به تنها چه خیزد ازین یک سوار

شاهنامه فردوسی، ج ۴، ص ۴۸۹
اهمیت و جایگاه وحدت را بیان کرده، که از این ابیات با توجه به شرایط امروزین جوامع بشری می توان نتیجه گرفت که در عصر حاضر که به جهت یورش بی امان دشمنان اسلام عزیز، فضای توطئه امت اسلام را در بر گرفته است، برای رهایی از این آسیب ها و بحران ها و دستیابی به عزت و کرامت و تقویت نیاز است که مسلمین دست اتحاد و برادری به یكدیگر داده و با تمسک به حبیل الله از نعم و تبعات همدلی برخوردار گردند، زیرا که دستیابی به پیشرفت جهان اسلام در عرصه های علمی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و... مرهون وحدت و همدلی است.

برای بررسی جایگاه وحدت همدلی «گلستان سعدی» را ورق می زنیم. سعدی شیرین زبان نیز از این مساله مهم غافل نشده و نقش اتحاد را در قالب تشبیهی جالب به مخاطبان ادب فارسی عرضه می دارد که:

مورچگان را چو بود اتفاق
شیر زیان را بدراند پوست

گلستان، ص ۱۹۱
برو با دوستان آسوده بنشین
چو بینی در میان دشمنان جنگ
و گریینی که با هم یک زبان اند
کمان راز کن و بر باره هم سنگ

گلستان، ص ۱۷۶
ابن یمین، شاعر شیعی مذهب عصر سربداران و استاد مسلم قطعه سرایی در بیت:
دو دوست با هم اگر یک دل اند در همه کار
هزار طعنهی دشمن به نیم جو نخرند

دیوان ابن یمین، ص ۱۸۲
جایگاه و ارزش اتحاد و همدلی را ذکر می کند که از این بیت می توان دریافت که وحدت و همدلی باعث می شوند که نقشه های دشمن بی ارزش و بی فایده گردد و چنان چه وحدت و همدلی در جامعه و یا گروهی عجین گردید قطعاً نقشه های دشمنان نخواهند توانست خلی در اراده پولادین آنها در رسیدن به اهداف والای خویش ايجاد نمایند. نظامی، شاعر نامی و نامدار ایران که توجه و تکیه او بر مضامین اخلاقی و اجتماعی و اندرزی، برای شعر او در ادبیات فارسی، جایگاه والا ايجاد کرده است. با بیت:

به مردم در آمیز اگر مردمی
که با آدمی خوگرست آدمی

دیوان نظامی، ص ۸۵۳
آمیزش و جوشیدن در میان توده های مردم را در پرتو تألیف قلوب و همدلی سفارش و از ویژگی ها و صفات ممتاز انسانی را خوگری و الفت انسان با دیگر انسان ها می داند.

صائب تبریزی، شاعر نامدار سبک اصفهانی نیز کوشیده است که در دیوان عظیم و ارزشمند خویش که آکنده از حکمت و مضمون آفرینی و معناتراشی است، در قالب امثالی سایر که گاهی در نزد عامه زبانزد هم شده است، جایگاه وحدت و همدلی را در ابیات فراوان بیان نماید. صائب در تشبیهی زیبا و توأم با حسن تعلیل، جایگاه وحدت را با بیت:
رشته ی پیوند یاران را بریدن سهل نیست
چهره ی برگ خزان، زرد از جدایی می شود

دیوان صائب، ص ۳۸۱
بیان کرده است که این بیت می تواند از لحاظ مضمونی و مفهومی، همخوانی و قرابت معنایی با عبارت «وقتی شیرازه های نظام بگسلد و مهره ها پراکنده شوند، هرگز نمی توان همه را جمع آوری کرد.» (خطبه، ۱۴۶ نهج البلاغه) داشته باشد. او در بیت:

اتفاق دوستان با هم دعای جوشن است

سختی از دوران نینبند دانه تا در خرمن است

دیوان صائب، ص ۳۱۴
با تمثیلی زیبا نتیجه می گیرد که دانه تا هنگامی در
خرمن و در حضور جمع و بلور از هر گونه افتراق و
انفصال است، هیچ گاه از روزگار زخم و ضربه
ملافت نمی بیند.

بی شک اتحاد و انس و الفت میان مسلمان جهان
از منت های الهی است. علی ابن ابیطالب در خطبه
۱۹۲ نهج البلاغه می فرماید: خدای سبحان بر این
است، منت نهاد، الفت و اتحاد را در میان آنان پدید
آورد تا در سایه آن زندگی کند و بدان پناهنده شوند.
صائب نیز در بیت:

وحشت روی زمین زیر زمین خواهد یافت
هر که در روی زمین خویی به وحدت نگرفت

دیوان صائب، ص ۲۶۸
این موضوع را تأییدی دوباره می نماید.
برای نشان دادن جایگاه وحدت و اشاره صائب به
این موضوع حیاتی، ابیات زیر را با هم مرور
می کنیم.

خوش آن گروه که مست بیان یکدگرند
ز جوشن فکر می ارغوان یکدگرند
نمی زنده به سنگ شکست گوهر هم
پی رواج متاع و دکان یکدگرند
زنده بر سر هم گل زمصرع رنگین
که از گشاد جبین گلستان یکدگرند

دیوان صائب، ص ۴۶
یاد ایامی که با هم آشنا بودیم ما
هم خیال و هم صفیر و هم نوا بودیم ما
معنی یک بیت بودیم از طریق اتحاد
چون دو مصرع گرچه در ظاهر جدا بودیم ما
بود دائم چون زبان خامه حرف ما یکی
گرچه پیش چشم صورت بین دو تا بودیم ما
چون دو برگ سبز کز یک دانه سر بیرون کند
یک دل و یک روی در نشو و نما بودیم ما
دوری منزل حجاب اتحاد ما نبود
داشتیم از هم خیر در هر کجا بودیم ما
چاره جویان را نمی داریم صائب درد سر
دردهای کهنه می هم را دوا بودیم ما

کلیات صائب، ص ۱۲۳
محمد تقی ملک الشعراى بهار از شاعران و
نویسندگان دوره مشروطه است که در دیوان
اشعارش به کرات مسلمانان را به وحدت و هم رایی
دعوت و از افتراق و جدایی باز می دارد و تنها راه
نجات و سعادت جامعه اسلامی را وحدت
می شمارد. او در ابیات:

خوش بود از ملت اسلام عزیز
دست بشویند زکین و ستیز

□

زانک فزون است بد اندیش ما
دشمن ملک و عدوی کیش ما

□

چاره ی ما نیست به جز اتحاد
این ره رشد است فنعلم الرشد

دیوان ملک الشعراى بهار، ص ۴۵۲
مؤید این موضوع است.
علامه محمد اقبال لاهوری: متفکر و شاعر پارسی

گوی پاکستانی و از احیاگران همبستگی اسلامی
است که سهم بزرگی در روی آوردن مردم به
آرمان های اسلامی داشت. او با شناخت دقیقی که
از غرب و شرق داشت، توانست فساد تفکر غربی را
از یک سو و ارزش و الای فرهنگ اسلام را از سوی
دیگر در قالب سخنرانی ها و اشعار زیبایش نشان
دهد. او در کلیات اشعارش «وحدت و همدلی رادر
موارد گوناگون مورد اشاره و تأیید قرار داده است و
آن را یکی از رموز موفقیت مسلمین معرفی و آنها را
از تفرقه و جدایی نهی می کند. او در ابیات:

هر که آب از زمزم ملت نخورد
شعله های نغمه در عودش فسرد
فرد تنها از مقاصد غافل است
قوتش آشفنگی را مایل است

دیوان اقبال لاهوری، ص ۵۹
تا وجودش را نمود از صحبت است
مرد چون شیرازی صحبت شکست
مرده ای از یک نگاهی زنده شو
بگذر ای بی مرکزی پاینده شو

دیوان اقبال لاهوری، ص ۳۷۹
فرد را ربط جماعت رحمت است
جوهر او را کمال از ملت است
تا توانی با جماعت یار باش
رونق هنگامه ای احرار باش
حرز جان کن گفته ی خیر البشر
هست شیطان از جماعت دورتر

ره آورد شوم و نامبارک تفرقه را یادآوری نموده
است که می تواند با احادیث: «لا تختلفوا، فان كان
من قبلكم، اختلفوا فهلكوا» (کنز العمال، ص ۲۹)
(ای گروه مردم با یکدیگر اختلاف پیدا نکنید که
است های قبلی به سبب اختلاف هلاک شدند) و
«فانظروا ما صاروا اليه في آخر امورهم حين وقعت
الفرقة و تشتت الالفه» (خطبه ۱۹۲، نهج البلاغه)
به عاقبت و سرانجام امور تفرقه جویان و کناره گیران
از وادی الفت بنگرید و عبرت بگیرید. ضمن آن که
بیت آخر به حدیث «الشیطان یعطبکم بالجماعه
الفرقه و بالفرقه فتنه» (خطبه ۱۲۱ نهج البلاغه)
«شیطان عامل پراکندگی و اختلاف است و از راه
تفرقه فتنه انگیزی می کند» اشاره دارد.

استاد محمد حسین بهجت تبریزی متخلص به
شهریار هم یکی از غزل سرایان چیره دست معاصر
است که ضرورت وحدت و برادری در میان
مسلمانان را در ابیات

معلق است به مویی جهان و بر سر آن
همه لجاج و لجوج و همه عناد و عنود
خود این قلوب پراکنده را به هم پیوند
صف نماز جماعت کن این جدال و جنود

دیوان شهریار، ج ۲، ص ۹۸۴
بیان می دارد که می تواند با حدیث «علیکم
بالتواصل و التبادل و ایاکم و التدابر و التقاطع» (نامه
۴۷ نهج البلاغه) (همواره اهل پیوند و دستگیری در
میان یاران خود باشید و از تفرقه و جدایی پرهیزید)
هم مفهوم باشد. و نهایتاً این که حاجی ملا احمد بن
حاج ملا مهدی معروف به نراقی یکی از بزرگترین
فقهای قرن سیزدهم هجری است که در سرودن اشعار
عرفانی شاعری زبردست بوده و علاوه بر دیوان

مثنوی طاقدیس از مهمترین آثار منظوم اوست.
ایشان در مثنوی طاقدیس جایگاه و نقش وحدت و
عواقب ناگوار افتراق و جدایی رادر قالب مثال هایی
بسیار زیبا این گونه بیان می دارد که:

چون جدا گردید آن شاخ از درخت
از جفای تیشه ها شد لخت لخت
گل چو با گلبن ندارد اتصال
در میان جاده ها شد پایمال
چون که شد آب از سر آن چشمه دور
تیره گشت و ناتوان و تلخ و شور
چون جدا شد آدم از خلد برین
شد هزاران رنج و محنت را قرین
چون جدا شد یوسف از یعقوب راد
بی کس اندر چاه اخوان افتاد
چون جدا افتاد یوسف از پدر
بنده گشت و خوار و زار و در به در

دیوان مثنوی طاقدیس، ص ۸۸

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)، صبحی صالح، انتشارات نهضت، چاپ ۱۳۷۴.
- ۳- دیوان اقبال لاهوری، (حکیمت اشعار)، چاپ دوم، کتابخانه سنایی.
- ۴- دیوان شهریار، محمدحسین شهریار، تهران، انتشارات نگاه، چهار جلد، ۱۳۷۶.
- ۵- دیوان صائب، با تصحیح و مقدمه امیر فیروز کوهی، انتشارات کتابفروشی خیام، تهران، ۱۳۸۲.
- ۶- دیوان مثنوی طاقدیس، احمد نراقی، تصحیح و تحقیق علی افراسیابی، قم، انتشارات نهانللی، ۱۳۸۱.
- ۷- دیوان ملک الشعراى بهار، تهران، آزاد مهر، ۱۳۸۲.
- ۸- دیوان نظامی، مصحح و گردآورنده: وحید دستگردی، تهران، انتشارات پارسامتش، ۱۳۸۰.
- ۹- گلستان سعدی، با مقدمه محمدمسیاقی، انتشارات پیام محراب، بهار، ۱۳۸۲.
- ۱۰- شاهنامه فردوسی، به اهتمام بروخیم، تهران، ۱۳۱۴.
- ۱۱- کنز العمال فی سنن من الاقوال و الافعال، علاءالدین علی الممتقی بن حسام الدین الهندی، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۳۷۲، ش.
- ۱۲- مثنوی معنوی مولانا جلالالدین محملمبن محمد بن الحسین البلخی الرومی، به اهتمام رینولد آمن نیکسون، سه جلد، انتشارات مولی، تهران، ۱۳۸۰.
- ۱۳- نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاینده، ترجمه: پاینده، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۲.